



دلار در سال تخمین زده می شود باید در مقابل حذف ۱۵ میلیارد دلار مقاومت کند. این کشور همچنین دارای صندوق ذخیره ارزی (صندوق توسعه ملی) است که برای مقابله با نوسانات قیمتی و ارزی طراحی شده و موجودی آن در حال حاضر بالغ بر ۴۲ میلیارد دلار است. در سال آینده تمامی نهادهای مذهبی و صنعتی - نظامی که تحت نظارت سپاه پاسداران هستند، مشمول پرداخت مالیات می شوند که این موضوع در صورت تحقق می تواند استقلال بودجه ایران از فروش نفت را در پی داشته باشد. حامل های انرژی مصرفی در داخل کشور نیز با درصدی افزایش عرضه خواهند شد که این نیز به نوبه خود به بالا رفتن درآمد دولت و تحقق بودجه کمک می کند.

روسیه نیز به لطف ۵۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی خود در میان مدت به خوبی قادر به جبران خسارت های ناشی از سقوط بهای نفت و گاز خواهد بود و نمی خواهد تولید خود را به نفع شرکت های نفتی شیل آمریکایی و غربی کاهش دهد.

نتیجه گیری:

به طور خلاصه می توان گفت که سقوط بهای نفت پیامد افزایش بسیار زیاد آن در ده سال گذشته بوده که سرمایه گذاری در منابع گران قیمت و استحصال از این منابع را مقرون به صرفه ساخته است. مهمترین مؤلفه هایی که قیمت نفت در سال های گذشته را بالا بردند، نه کشورهای تولید کننده که تجارت مجازی نفت، انعقاد بی رویه قرارداد های آتی و سرمایه گذاری های تخمینی در بازار مواد خام بودند. آنچه مادر حال حاضر شاهد آن هستیم، چیزی جز فرار سرمایه از بازار های مواد خام نیست. این امر باعث ترکیدن حساب مواد خام شده و تمامی اقدامات تصحیحی و اثر گذار در زمینه تعیین بهای نفت و سایر مواد خام را با شکست مواجه ساخته است. گواه این ادعا، روند کاهشی بهای طلا و برخی مواد خام دیگر از تابستان ۲۰۱۴ تا کنون است.

موج ور شکستگی شرکت های نفتی و گازی شیل و کاهش سرمایه گذاری شرکت های بزرگ در عرضه نفت و گاز، در آینده نه چندان دور به «پاک» شدن بازار منجر خواهد شد. در این بازه زمانی قابل انتظار است که بهای نفت در نیم سال آینده بار دیگر روندی صعودی به خود بگیرد و حتی به بشکه ای ۱۰۰ دلار برسد. در صورت عدم تحقق این سناریو، بازار با کاهش عرضه مواجه خواهد شد که این نیز به نوبه خود به افزایش جهشی قیمت ها خواهد انجامید.

سیاسی از کاهش تولید نفت خودداری می ورزد، چندان واقعی نمی نماید و به شدت قابل تردید است، به ویژه آن که این کشور خود نیز از اثرات سوء کاهش بهای نفت رنج می برد؛ پیامد کاهش بهای نفت برای عربستان خود را در عرصه تولید نفت خام به وضوح نشان می دهد. این کشور با وجود اینکه هزینه زیادی برای تولید نفت انجام نمی دهد، ناچار است در میزان بودجه و مصارف آن تجدید نظری جدی به عمل آورد. عربستان که در سال گذشته بار ها با تهدید القاعده و داعش روبه رو بوده و ثبات و امنیت خود را در مخاطره می دید، برای بهبود اوضاع داخلی، برنامه های اجتماعی بسیار پرهزینه ای را به اجرا در آورده است. فقط در سال ۲۰۱۲، بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار از بودجه صرف اجرای چنین برنامه هایی شده است. ابعاد منفی سقوط بهای نفت برای عربستان سعودی آنجا آشکار می شود که تر از بودجه سراسری این کشور با نفت بشکه ای ۱۰۴ دلار قابل تحقق است و با قیمت کنونی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار کسری را تجربه خواهد کرد. با این حال عربستان با برخورداری از ۴۵۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی در کوتاه میان مدت قادر خواهد بود در مقابل سقوط بهای نفت مقاومت کند اما دراز مدت این کشور نیز با مشکلات جدی در زمینه هزینه ها مواجه خواهد شد.

علاوه بر این موارد، کاهش فزاینده بهای نفت، به صرفه بودن بسیاری از پروژه های نفتی و سرمایه گذاری های بیشتر در این بخش را تهدید می کند؛ بر اساس گزارش رویترز، شرکت دولتی آرامکو اعلام کرده است ناچار است تمامی قرارداد های فعلی را مورد تجدید نظر قرار داده و هر گونه سرمایه گذاری جدید را به تعویق ببندازد.

ایران که به عنوان یکی از مهم ترین بازندگان سقوط بهای نفت معرفی می شود، در مقایسه با عربستان متحمل ضرر و زیان کمتری می گردد. در حال حاضر تنها یک سوم از بودجه سراسری این کشور از درآمدهای نفتی حاصل می شود و بودجه سال جاری نیز بر اساس ۵۰ دلار برای هر بشکه نفت تنظیم شده است. ایران که زمانی بودجه خود را بر اساس نفت ۱۰۰ دلاری طراحی می کرد، اکنون ناچار است، با دشواری های فروش نفت به بهای ۵۰ دلار در هر بشکه دست و پنجه نرم کند. با توجه به افزایش بهای دلار در مقابل سایر ارز های خارجی در همین بازه زمانی، زیان ایران از فروش نفت ۵۰ دلاری به چیزی معادل ۴۰ دلار محدود می شود. در نهایت این کشور ۱۵ میلیارد دلار متضرر می شود. تولید ناخالص داخلی ایران که حدوداً ۳۶۶ میلیارد

سرمایه گذاری های کلان در نروژ، خلیج مکزیک، کانادا و آمریکا به شدت متزلزل شده اند. شرکت مشاوره سرمایه گذاری Rystad Energy اعلام کرده است که بیش از ۸۰۰ پروژه نفتی و گازی با حجم سرمایه گذاری بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار و با ظرفیت تولید ۶۰ میلیارد بشکه نفت، با تهدید جدی روبه رو هستند.

در حالی که تحلیل های مستقل، بهای نفت در سال آینده را حدود ۸۰ دلار برای هر بشکه پیش بینی می کنند، یکی از تحلیلگران Rystad Energy معتقد است، حتی با این قیمت نیز بیش از یک سوم پروژه های نفتی و گازی باید تعطیل شوند و اگر این قیمت به ۷۵ دلار برسد، نیمی از پروژه ها تعطیل خواهند شد.

در این خصوص، پروژه موسوم به Rosbank که شرکت شورون اجرای آن را بر عهده دارد، نمونه ای بارز است؛ این پروژه حتی با قیمت ۱۰۰ دلار برای هر بشکه نیز توجیه اقتصادی ندارد و در صورت افزایش بهای نفت به ۱۲۰ دلار باز هم سودآوری چشمگیری نخواهد داشت. علاوه بر این، تمامی پروژه های استحصال نفت از عمق دریاها نیز به دلیل هزینه های گزاف در مخاطره هستند. شرکت نفتی استات اویل نروژ که قصد داشت سرمایه گذاری ۵/۷ میلیارد دلاری در دریای برنت انجام دهد، فعلاً تمامی اقدامات در این زمینه را تعلیق کرده است.

در صورتی که بهای نفت بسیار بالاتر از ۸۰ دلار برای هر بشکه نروژ، سرمایه گذاری ها در غرب کانادا نیز متوقف خواهد شد. شرکت نفت بریتانیا نیز تمامی پروژه های خود در حوزه خلیج مکزیک و دریای شمال را پروژه های در معرض خطر اعلام کرده است. این شرکت همچنین ضمن ترخیص کارکنان خود در آبردین اسکاتلند، ابراز امیدواری کرده است، با برخورداری از تخفیف های مالیاتی از سوی دولت بریتانیا، کاهش شدید درآمد و زیان ناشی از کاهش بهای نفت را جبران کند. دولت بریتانیا نیز بلافاصله مالیات مربوط به پروژه ها در دریای شمال را به میزان ۲ درصد کاهش داد و احتمال کاهش بیشتر مالیات در این مورد بسیار بالاست.

شرکت خدمات نفتی شلومبرگر (Schlumberger) نیز اعلام داشته است در آینده نزدیک بیش از ۹۰۰۰ شغل در صنعت نفت از بین خواهد رفت. کاهش بهای نفت همچنین سقوط سهام مربوط به استحصال نفت شیل را در پی داشته است، به طوری که بسیاری از شرکت های فعال در این زمینه به خاطر بدهی های فراوان اعلام ورشکستگی کرده اند.

با این اوصاف، این فرضیه که عربستان سعودی تنها با انگیزه های

